

## 1- And I spare no pains in obtaining materials concerning him...

۱. و من از هیچ دردسری برای کسب مواد مورد نیاز او نهراسیدم
۲. و من از هیچ زحمتی برای بدست آوردن اطلاعات مربوط به او دریغ نکردم
۳. و من هیچ زحمتی برای کسب اطلاعات در مورد او متحمل نشدم
۴. و من دردسرهای بدست آوردن مواد در مورد او را در نظر نگرفته بودم

2- when I find myself inclined to pity a criminal, that there is likewise a pity due to the country".

۱. وقتی در خود ترحم به یک جانی را از بین بردم
۲. وقتی خودم را بی توجه به دلسوزی برای یک جانی یافتم
۳. زمانیکه که خودم را متمایل به دلسوزی به یک مجرم دیدم
۴. وقتی هیچ حس ترحمی در من نسبت به یک مجرم وجود نداشته باشد

3- His memory is unseasonable; his compliments perverse.

۱. نابهنگام - تعارفات دورویانه
۲. بیمزه - تحسینات خوشایند
۳. بی موقع - تعارفات خوشایند
۴. بی موقع - تعارفات نا خوشایند

## 4- And that they again threatened to besiege the citadel of life and hope

۱. و دوباره آنها تهدید کردند که قلعه زندگی و امید را محاصره میکنند
۲. و اینکه آنها دوباره شهر زندگی و امید را به ویران کردن تهدید میکنند
۳. و آنها بار دیگر ارک زندگی و امید را با تهدید فتح میکنند
۴. و آنها دوباره پناه زندگی و امید را با تهدید نابود میکنند

5- The character of Milton was peculiarly distinguished by loftiness of spirit.

۱. کهالت روحی
۲. مناعت روح
۳. آزادی روح
۴. حساسیت روحیه

## 6- The gloom of his character discolors all the passions of men.

۱. زشتی شخصیت او تمامی هوی نفسانی مردان را از بین برد
۲. یرگی شخصیت او همه اشتیاق انسان ها را فاش کرد
۳. تاریکی شخصیت او شهوات مردمان را در پرتو خود قرار داد
۴. تیرگی شخصیت او همه ی علایق و احساسات مردان را بی رنگ کرد

## 7-Old, poor, sightless and disgraced, he retired to his hovel to die.

1. پیر، فقیر، بی منظره و نامهربان ، تا زمان مرگ در سرای خود ماند
2. پیر، فقیر، بی هدف و بی آبرو، به خانه خود بازگشت تا بمیرد
3. پیر، فقیر، نابینا و بی آبرو ، تا زمان مرگ در خانه رعیتی خود بسر برد
4. پیر، فقیر، نابینا و بیچاره ، در آواره ها ماند و جان داد

8-I have no doubt from this that the two brothers are at variance.

1. یاور
2. مخالف
3. رقیب
4. همکار

## 9-A carriage and four splendid horses, covered with armorial bearing...

1. کالسکه و چهار اسب زیبا پوشیده با روکشی زرین
2. کالسکه و چهار اسب عظیم ، پوشیده با یراقی اسلحه ای
3. کالسکه و چها اسب باشکوه، پوشیده با یراقی زرهی
4. کالسکه و چهار اسب تنومند، پوشیده با روکشی زرهی

## 10-One brief sigh sufficed to carry off the entire burden of these dismal reminiscences.

1. آهی کوتاه بسنده بود برای تحمل بار سنگین این خاطرات ملالت آور
2. یک آه کوتاه نمیتوانست بار این مصائب را از دوش او بردارد
3. هی مختصر برای از یاد بردن یادبود عذاب آور کافی بود
4. هی مختصر برای از یاد بردن یادبود عذاب آور کافی نبود

## 11-A kind of new contrivance of Mother Nature in the shape of man

1. نوعی الهام جدید مادر طبیعت در شکل مرد
2. یک نوع احیا تازه یک مرد توسط مادر طبیعت
3. نوعی ابداع جدید مادر طبیعت به صورت مرد
4. نوعی انزجار جدید توسط مادر طبیعت به شکل یک مرد

12-And when that fallen Roman, in the utmost impotence of his luxury, and insolence of his guilt, became the model for imitation of civilized Europe...

1. در اوج ثروت
2. در اوج بی اقتداری
3. در پایین ترین حد ثروت
4. در پایین ترین حد قدرت

## 13-The severity of the frost was so extraordinary that a kind of petrification sometimes ensued

1. وخامت اوضاع جنگل چنان غیر عادی بود که نوعی هرج و مرج را در پی داشت
2. شدت سرما چنان غیر عادی بود که گاهی به نوعی ماورای طبیعی به نظر میرسید
3. شدت یخ بندان چنان غیر عادی بود که گاهی با نوعی تاجر دنبال میشد
4. شدت گرما چنان غیر عادی بود که نوعی گرمزدگی را در پی داشت

14-The trade of the country was at a standstill.

- |                         |                               |
|-------------------------|-------------------------------|
| 1. تجارت روستا کساد بود | 2. تجارت روستا ثبات یافته بود |
| 3. تجارت کشور کساد بود  | 4. تجارت کشور رونق داشت       |

15-by cook or by crook

- |                              |                        |
|------------------------------|------------------------|
| 1. با آشپزی یا با کلاهبرداری | 2. با درستی یا نادرستی |
| 3. به هر شغلی که باشد        | 4. به هر بهایی که باشد |

16-After a night's sleep the senses are virginal.

- |         |            |         |          |
|---------|------------|---------|----------|
| 1. خالص | 2. پاکدامن | 3. حساس | 4. باکره |
|---------|------------|---------|----------|

17-Its vastness appals the mind; space boundless though not infinite.

- بزرگی آن ذهن را مجذوب میکند؛ فضایی بی مرز ولی نه لایتناهی
- پهنای آن ذهن را وحشت زده میکند، فضایی بیکران ولی نه محدود
- پهنای آن ذهن را وحشت زده میکند، فضایی بیکران ولی نه لایتناهی
- بزرگی آن ذهن را مجذوب میکند؛ فضایی بی مرز ولی نه محدود

18-Amid so many myriads there will be a few which by some rare accident have a fate unlike the rest.

- |                                  |                             |
|----------------------------------|-----------------------------|
| 1. پس مشتاقانه بسیاری از ستارگان | 2. در میان چندین ده ها هزار |
| 3. بسیاری از ستارگان دنباله دار  | 4. در میان ستارگان زیادی    |

19-He was too modest to attribute the idiocy to the other people.

- او بیش از آن نادان بود که متوجه دانش سایر مردم شود
- او چنان حقیر بود که مردم را احمق فرض میکرد
- او بیش از اندازه مغرور بود و سایر مردم را سزاوار بی احترامی میدید
- او بیش از آن فروتن بود که حماقت را به سایر مردم نسبت دهد

20-That evening he told his father that he was not going to stand for Parliament.

- آن عصر به پدرش گفت که قصد ندارد به مجلس برود
- آن عصر به پدرش گفت که قصد نداشته در مجلس مقاومت کند
- آن عصر به پدرش گفت که قصد ندارد کاندیدای نمایندگی مجلس شود
- آن عصر به پدرش گفت که قصد ندارد از مجلس حمایت کند

## 21- Chinese music... we can't make head or tail of it.

1. موسیقی چینی ... ما نمی توانیم از آن لذت ببریم
2. موسیقی چینی ... ما نمی توانیم از سر و ته آن سر درآوریم
3. موسیقی چینی ... ما نمی توانیم بدون دقت کردن آنرا بفهمیم
4. موسیقی چینی ... ما نمی توانیم تصویری از آن داشته باشیم

22- In the bartering of words their personalities do not expand but contract.

1. در رد و بدل کردن کلمات
2. در مخفی کردن کلمات
3. در افشای کلمات
4. در نجوا کردن کلمات

## 23- We may be sceptical as to the value of formal conference and debate

1. ممکن است ما به ارزش جلسات و دعوای رسمی بی اعتنا باشیم
2. ممکن است به ارزش گفتگوها و بحث های رسمی واقف نباشیم
3. ممکن است به ارزش مذاکرات و مناظرات رسمی شک داشته باشیم
4. ممکن است از ارزش مذاکرات و مناظرات رسمی چشم پبوشیم

## 24- Tarnished gold of the serried rows of books

1. طلایی کدر شده ردیف های کتاب های چیده شده
2. طلایی کدر شده ردیف های کتب به هم چسبیده
3. طلایی براق کدر شده ردیف های کتب روی هم افتاده
4. طلایی براق ردیف های کتاب های به هم چسبیده

25- A goose of most promising figure, but which at table, proved so inveterately tough...

1. شکل قول دهنده - به طور اجتناب ناپذیری
2. ظاهری خوشایند - بطور سرسختانه ای
3. ظاهری امید بخش - بطور نا امید کننده ای
4. شکلی نوید بخش - بطور عجیبی

سوالات تشریحی

26- If the biographer writes from personal knowledge, and makes haste to gratify the public curiosity, there is danger lest his interest, his fear or his tenderness overpower his fidelity, and temp him to conceal, if not to invent.

نمره ۱.۰۰

27- Farewell to peace of mind! Farewell to hope and tranquil dreams, and to the blessed consolations of sleep!

نمره ۱.۰۰

28- One point, in which he had vastly the advantage over his four-footed brethren, was his ability to recollect the good dinner which it had made no small portion of the happiness of his life to eat.

نمره ۱.۰۰

- 29- And the hunger of the north wind bites their peaks into barrenness; and, at last, the wall of ice, durable like iron, sets, deathlike, its white teeth against us out of the polar twilight. نمره ۱.۰۰
- 30- The mortality among sheep and cattle was enormous. It was no uncommon sight to come upon a whole herd of swine frozen immovable upon the road. نمره ۱.۰۰
- 31- Art and literature have been shamefully absurd; have been perverted from their true purpose, if they do not conduce to it. نمره ۱.۰۰
- 32- The realization was extraordinarily excited; he rose from his chair and began to walk agitatedly up and down the room. نمره ۱.۰۰